

منهج

سال هفدهم / شماره ۹۴ / تیرماه ۱۴۰۵

لَبُوفِ كَيْوَمَتِكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ





از این لحظه، ما یعنی شما ملت سرافراز و این
خادم ناچیز، منتظر تحقق شروط گفته شده، خواهیم
بود. اما بدیهی است مذاکرات حضوری که در آینده برقرار
خواهد شد، به معنی پذیرش نظر دشمن نخواهد بود.
امیدواریم که دعای خیر سرورمان ﷺ انواع نصرت‌ها و فتوحات،
را برای ملت باشرف ایران به ارمغان آورد.

پیام رهبر انقلاب خطاب به ملت ایران درباره تفاهم‌نامه رئیس‌جمهوران
ایران و آمریکا، ۲۸ خرداد ۱۴۰۵



ماهنامه **منهج** | تیر ۱۴۰۵ | شماره ۹۴

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق
هیأت تحریریه: خانم نادری
آقایان حامدی و غیبی

شیراز، خیابان زند، کوچه ۴۴ (مهدیه)، مجتمع
فرهنگی آموزشی مهدویت، بنیاد و مؤسسه
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



بنیاد مهدی موعود



مؤسسه فرهنگی آموزشی مهدویت

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع
مهدوی به سایت www.bonyademahdi.com
مراجعه نمایید.
شماره تماس: ۰۷۱-۳۲۳۰۲۳۱۵

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۴

پاسخ به یک ندا ۶

در محضر شهدا ۹

دقایقی پای خاطرات استاد ۱۳

از اصحاب کربلا تا یاران

مهدی علیه السلام ۱۶

امتداد یک هدف ۲۰

رسانه ۲۵

اندکی درنگ ۳۰

خاورمیانه متحد، کابوس رژیم

صهیونیستی ۳۳

امام شهید در کلام علماء ۳۸

اهمیت و گستردگی عملیات

جامعه سازی شیعی ۴۴

باستانگرایی ۵۲

لطف ویژه ۵۸

تلنگر ۶۲

گزارش تصویری ۶۷

سخن سردبیر

نام حسین (علیه السلام) و مهدی (عج) برای شیعیان یادآور یک حکایتِ ناتمام است، حکایتی که آغازگر آن حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و پایان بخش آن حضرت مهدی (عج) است. این دو وجود مقدس، از قرابت و ارتباطی جدایی ناپذیر، برخوردارند.

عاشورا است که زمینه ساز قیام و انقلاب منجی عالم بشریت خواهد بود، چرا که عاشورا، موجب ایجاد یک تفکر بنیادین در شیعه شده که مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت و تحت حکومت ستمگران و ظالمان است. این اندیشه، در طول تاریخ با شیعه همراه بوده و چنین عاملی، باعث شکل گیری انقلاب‌هایی مانند انقلاب اسلامی ایران و مقاومت ملت مبعوث شده‌ی ایران در برابر ظالمان و ستمگران جهان شده و ادامه‌ی همین تفکر است که به یاری خداوند به انقلاب جهانی مهدی موعود (عج) منجر خواهد شد.

شیعه معتقد است مهدی (عج) می‌آید که مأموریت حسین (علیه السلام) را تکمیل کند و به سرانجام برساند تا ظلم و ستمی در جهان، باقی نماند و عدل و داد،



سراسر جهان را فراگیرد.

در دو فراز، از زیارت عاشورا، زیارت‌کننده از خداوند می‌خواهد که همراهی با امام مهدی علیه السلام را در خون‌خواهی امام حسین علیه السلام روزی‌اش گرداند.

یک بار در این فراز که می‌گوید: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ وَ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام؛ پس از خدایی که مقام تو را بلند و گرمی داشت و مرا هم به واسطه‌ی دوستی تو، عزت بخشید، درخواست می‌کنم، که روزی من گرداند تا با امام منصور از اهل

بیت محمد صلی الله علیه و آله خون خواه تو باشم.»

در فرازی دیگر می‌گوید: «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي، مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ؛ و از خدا درخواست می‌کنم که مرا به مقام محمودی که خاص شماست، برساند و مرا نصیب فرماید که در رکاب امام زمان علیه السلام که هادی و ظاهر شونده و ناطق به حق است، خون خواه شما باشم.»

این دو فراز از زیارت عاشورا، گویای هدف‌دار بودن عزاداری برای امام حسین علیه السلام، آمادگی برای ظهور و تقویت حس انتقام از خون ابا عبد الله الحسین علیه السلام در معیت امام عصر علیه السلام است.



صدای پای قافله سالاری می‌آید، صدای زنگ شترانی که خبر از نزدیک شدن کاروانی می‌دهند، کاروانی که مقصد نهایی اش، کربلاست. کاروان، آرام آرام رهسپار می‌شود، با صدای زنگ شتران و شیپه‌ی اسبان. کربلا، نفس نفس می‌زند و فرات، تشنه‌تر از همیشه، در خویش می‌جوشد و سر بر جداره‌ها می‌کوبد...

این جا، سرزمین کربلا است، سرزمین موعود. کاروان به مقصد می‌رسد و خیمه‌ها به عظمت خورشید، تکیه می‌دهند، گرما، هر لحظه تکثیر شده و عطش، تنها تصویر نینوا می‌شود و بس...

غمی سترگ، بر دلم چنگ می‌اندازد، غمی به وسعت غروب عاشورا، غمی به اندازه پریشانی زینب علیها السلام، در هنگام وداع، غمی به بلندای فریاد قاسم بن الحسن علیه السلام از دل میدان، غمی به وسعت زیبایی علی اکبر علیه السلام، جوان رشید حسین علیه السلام، غمی به نازکای حنجر علی اصغر علیه السلام، آن گاه که حتی، تاب نوازش خنکای نسیم را نداشت چه رسد به زهر تیر سه شعبه.

پاسخ به یک‌نرا



غمی به ارتفاع تلّ زینبیه، هنگامی که زینب علیها السلام دیگر صدای لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ را از حنجر حسین علیه السلام شنید و آخرین تبسم برادر را در ذهن خسته اش، تجسم کرد

با خود فکر می‌کنم آیا کسی هست که فریاد هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي، قافله سالار این کاروان را نشنیده باشد؟!!

آری! از نوای غریبانه هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي حسین علیه السلام، سال‌ها و قرن‌ها می‌گذرد، اما انعکاس آن را می‌توان در لحظه لحظه‌ی تاریخ، به گوش جان، شنید. این فریاد، نه تنها رو به خاموشی و افول نگذاشته، بلکه هر روز، رساتر و پربلاّبتر، خروش و جوشش آزادگان عالم را، فزونی بخشیده است.

گویا امام حسین علیه السلام سال‌ها و قرن‌ها، چشم به راه دوخته و به انتظار نشسته تا امام عصر علیه السلام، ندایشان را پاسخ گفته و پرچم بر زمین مانده‌ی ایشان را به دوش گرفته و داغ‌های کهنه‌ی ایشان را التیام بخشیده و آرمان‌های بلند حضرتشان را لباس حقیقت، پوشانند....

روز ظهور، هنگام پاسخ به استغاثه‌ی مظلومانه‌ی امام حسین علیه السلام است و حضرت مهدی علیه السلام پاسخ دهنده آن. آن جا که کنار کعبه، ما بین رکن و مقام



ایستاده و می‌فرمایند: اَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ اَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ؛ آگاه باشید ای اهل عالم! که منم امام قائم علیه السلام.

اَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ اَنَا الصَّمَامُ الْمُنتَقِمُ؛ آگاه باشید ای اهل عالم! که منم شمشیر انتقام گیرنده.

اَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ، قَتَلُوهُ عَطْشَانًا؛ آگاه باشید ای اهل عالم! که جدّ من حسین علیه السلام را تشنه لب، شهید کردند.

اَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ عُرْيَانًا؛ آگاه باشید اهل عالم! که جدّ من حسین علیه السلام را روی خاک افکندند.

اَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عُدَوَانًا. آگاه باشید اهل عالم! که حق جدّ من حسین علیه السلام را از روی کینه‌توزی پایمال کردند....

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ^۲

۱- علی یزدی حائری، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۳

۲- شعراء/۲۲۷



بی سر و بی دست

نصف شب، از صدای ناله‌ی او در نماز شب، از خواب بیدار شدم. مشغول گریه بود و در میان گریه‌هایش می‌گفت: خدایا اگر شهادت را نصیبم کردی، می‌خواهم مثل امام حسین علیه السلام بی سر و مثل حضرت عباس علیه السلام بی دست باشم.

وقتی پیکرش را آوردند، نه سر داشت و نه یک دست. گویا آن شب، خدا صدای او را شنیده بود و دعای او را استجابت کرده بود!

غرق

انس عجیبی با روضه‌ی امام حسین علیه السلام داشت و غرق در روضه می‌شد. هر هفته در خانه‌ی ما مجلس روضه، بر پا بود. مصطفی فرزند خردسالم پیش پدر رفته بود تا روی پاهایش بنشیند. دیدم با گریه برگشت که بابا من را دوست ندارد.

در محضرش

هر چه او را صدا زده بود، جوابی نشنیده بود. بعد از روضه که از او، علت کارش را سؤال کردم، گفت: من نه کسی را دیدم و نه صدایی را شنیدم.^۲

//////////////////// **مُحِب** //////////////////////

روحانی شهید مرتضی زندیه، گریه کنِ امام حسین علیه السلام بود، از آن‌هایی بود که گریه کردنش، با بقیه فرق داشت. وقتی از مجلس روضه‌ی امام حسین علیه السلام بیرون می‌آمد، چشمانش از بس گریه کرده بود، سرخ شده بود. کارهایش را به گونه‌ای تنظیم می‌کرد که به روضه‌ی امام حسین علیه السلام برسد. روزی چند بار، زیارت عاشورا می‌خواند. هر جا در روضه او را می‌دیدم، مشغول خواندن زیارت عاشورا بود. همیشه هم می‌گفت: من در بغل تو، شهید می‌شوم.

آخر هم حرف او، درست از آب درآمد و در بغل من، شهید شد، آن هم با گلوی بریده. روی سنگ قبرش، با خط درشت نوشتند: هذا مُحِب الحسین علیه السلام.^۳

//////////////////// **برای دلتان مداحی کنید** //////////////////////

شهید سلیمانی با چند تن از مداحان، جلسه‌ای داشتند. توصیه‌هایی کردند که بسیار مطالب ارزشمند و کارشناسی شده‌ای بود. گفتند: شما برای مردم، زیارت عاشورا می‌خوانید اما آیا برای حال خودتان هم وقتی را اختصاص می‌دهید و برای دلتان، می‌خوانید؟ در طول هفته، جلسات متعددی برای مردم دارید، توصیه می‌کنم جلسات خاصی، برای خودتان داشته باشید. اگر می‌خواهید توفیق نوکری برای اهل بیت علیهم السلام مستدام و ادامه دار باشد و عاقبت بخیر شوید، هر روز زیارت عاشورا بخوانید، اگر نمی‌توانید و توفیق، یار نبود، حداقل هفته‌ای یک بار، برای خودتان بخوانید. این کار را حتماً انجام دهید. حاج قاسم خودشان، مثل بسیاری از علما، جمعه‌ها در منزلشان، مراسم

روضه‌ی هفتگی داشتند.^۴

//////////////////// **خرامام حسین (علیه السلام)** //////////////////////

خواندن زیارت عاشورا، کار هر روز او بود. در شلمچه بود که از ناحیه‌ی چشم، مجروح شد. کم کم بیناییش را از دست داد اما با این حال، زیارت عاشورا خواندنش، ترک نشد. باضبط صوت، هم زیارت عاشورا گوش می‌داد هم روضه. ماه محرم که شد، حالش خراب شد. پدرش می‌گفت: هرروز کنار تختش می‌نشستم و برایش زیارت عاشورا می‌خواندم اما روز عاشورا با حال بهتری، زیارت عاشورا خواندیم. ساعت ده صبح بود که از من پرسید: بابا! حُر چه روزی شهید شد؟ گفتم: روزعاشورا. گفت: دعاکن من هم امروز، حُر امام حسین (علیه السلام) شوم.

نزدیک ظهر بود. گفت: بابا! بی قرارم، بگو، مادر بیاید. گفتم: مادر خانه نیست. گفت: برایم سوره‌ی فجر، سوره‌ی امام حسین (علیه السلام) را بخوان. شروع به خواندن کردم، به آیه «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» که رسیدم، خیلی گریه کرد. گفت: دوباره بخوان. ۱۳ یا ۱۴ بار برایش خواندم. همین طور گریه می‌کرد. هنوز سیر نشده بود، خجالت کشید، دوباره اصرار کند.

محرم ششده

گفت: بابا! مادر نیامد؟ گفتم: نه هنوز. گفت: پس خداحافظ قرآن را روی میز گذاشته و برگشتم، دیدم آرام، جان به جان آفرین تسلیم کرده است، به او نگاه کردم، انگار سال‌ها بود که از دنیا رفته بود. تازه ظهر شده بود، ظهر عاشورا...^۵

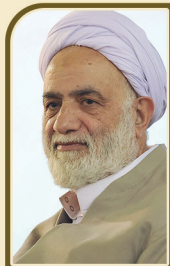
- ۱- کتاب مثل حسین، مثل عباس، عباس میرزائی، خاطرات شهید ماشاالله رشیدی راوی: پدر شهید، ص ۵۲ با کمی دخل و تصرف
- ۲- کتاب کوچه پروانه‌ها، اصغر فکوری، راوی: همسر شهید عبدالمهدی مغفوری، صص ۵۰-۴۹ با کمی دخل و تصرف
- ۳- کتاب خط عاشقی^۱، خاطرات عشق شهدا به امام حسین علیه السلام و روضه‌های کربلا، راوی و گردآوری: حسین کاجی با کمی دخل و تصرف
- ۴- کتاب سرباز مکتب، بیان خاطرات مهدی صدقی، تألیف: سید حسن‌رضا نقوی (نویسنده پاکستانی) با کمی دخل و تصرف
- ۵- کتاب خط عاشقی^۱، خاطرات عشق شهدا به امام حسین علیه السلام و روضه‌های کربلا، راوی: پدر شهید محمدتقی شمس، گردآوری: حسین کاجی با کمی دخل و تصرف

در انتظار مهمان

عملیات والفجر بود که برای دیدن رزمندگان، به جبهه رفته بودم. در آن جا صحبت از گردان شهادت شد. گفتند: برای شکستن خط، به ۲۵۰ نفر داوطلب شهادت نیاز داریم!! انبوهی از جمعیت هجوم آورده و بر سر انتخاب افراد، دعوا شد تا این که با قرعه، ۲۵۰ نفر را انتخاب کردند.

“

شب قبل از آن، یکی از رزمندگان در عالم خواب دیده بود که امام حسین علیه السلام خود، حرم را جارو می کنند. می گوید: دویدم جارو را از آن حضرت بگیرم. اما امام علیه السلام نداده و فرمودند: نه، یاران باوفای من دارند می آیند، می خواهم خود، حرم را برای زائرانم، جارو کنم.



پابرهنه

توفیقی بود چند عاشورا، کربلا بودم. روز عاشورا مردم کربلا، عزاداری را زود تمام کرده و به استقبال هیئت طویریج^۱ می روند. من علمای زیادی را

دیدم که پابرهنه در این هیئت شرکت کرده و به سر و سینه می زدند، از جمله **دقایقی پای**

خاطرات استاد شهید محراب آیت الله مدنی رحمته الله علیه.

از ایشان پرسیدم: راز این قصه

چیست؟ فرمودند: سیدبجراالعلوم که از علمای بزرگ نجف بودند،

برای زیارت، به کربلا آمده بودند. در مسیرِ راهِ حرم، به تماشای هیئت عزادارای طویریج می ایستند. ناگهان مردم می بینند، سید بحرالعلوم عبا و عمّامه را به کناری انداخته و به داخل جمعیت رفته و یاحسین! یاحسین می کند. طلبه ها می روند آقا را از داخل جمعیت، نجات دهند تا زیر دست و پا، له نشود اما اجازه نمی دهند. بعد از عزاداری، می بینند ایشان، در آستانه ی غش کردن است، علت این حرکت را می پرسند؟ سید بحرالعلوم می گویند: همین که مشغول تماشای هیئت بودم، حضرت مهدی علیه السلام را دیدم که با پای برهنه و سر بدون عمّامه، در میان عزاداران، به سر و سینه می زنند، من شرم کردم که تماشاچی باشم.

ملاک

رئیس یکی از هیئت های عزاداری، نزد من آمده و گفت: برای امسال، واعظی خوش صدا می خواهیم. گفتم سواد؟ گفت: سواد مهم نیست، ما می خواهیم مجلس، شلوغ شود و کاری به سواد نداریم. ما حساب کرده ایم اگر آبگوشت بدهیم، ۲۰۰ نفر می آیند، با برنج ۴۰۰ نفر، اما اگر یک آقای خوش صدا، بیاید ۷۰۰ نفر جمع می شوند!

پوشش

خانمی با پوشش نامناسب، وارد ماشین شد و شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد. راننده دید با آن قیافه، زیارت عاشورا می خواند، پرسید: زیارت عاشورا می خوانید؟
خانم گفت: بله.

راننده گفت: آیا امام حسین علیه السلام این نوع حجاب و پوشش را دوست دارد؟

خانم جا خورد و گفت: مرا به خانه برگردانید، به منزل رفت و لباس مناسبی پوشید و از راننده تشکر کرد.
راستی علاقه به امام حسین (علیه السلام) چه ها که نمی کند.

طرز فکر

شهید هاشمی نژاد از استاد خود مرحوم آیت الله کوهستانی (رحمه الله) نقل می کردند که در عمرم، هرگز لباس غیر ایرانی نپوشیدم.
گانندی رهبر هند می گفت: حتی از نمکی که تحت سلطه انگلیسی ها است، استفاده نمی کنم. او می گفت: من طرز تفکر را از امام حسین (علیه السلام) گرفته ام، چون او تکه تکه شد و بچه هایش را فدا کرد، ولی نگذاشت عزت و استقلالش خدشه دار شود.
کتاب خاطرات، حجت الاسلام قرائتی، با کمی دخل و تصرف

۱- طوبریج شهری است در بیست و پنج کیلومتری کربلا

عاشورا، بزرگ ترین، حماسی ترین و ناب ترین قیام در تاریخ اسلام است و قیام مهدی عج، کامل ترین و آخرین قیام و انقلاب در تاریخ بشریت می باشد. قیام مهدی عج تداوم قیام عاشورا است. قیامی برای حاکمیت دین خدا، مبارزه با ظلم و ستم و ایجاد عدالت در سرتا سر جهان، قیامی برای نشر معروف و از بین بردن منکر و معرفی اسلام در شکلی نو، شفاف و بدون تحریف و انحراف و فریب ...



در دعای ندبه، مهدی موعود عج **أَيَّنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ** معرفی می شود و در حدیث معراج، خداوند پس از شرح شهادت امام حسین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله خود می فرماید: آن گاه از نسل او [امام حسین علیه السلام] مردی را برمی انگیزم، که انتقام خون او را بازستاند و زمین را از عدالت و قسط، سرشار سازد. با بررسی نهضت عاشورا می بینیم بعد از رهبر آن

قیام و نهضت یعنی امام حسین علیه السلام که نقش کلیدی

و اساسی را در موفقیت و پیروزی آن نهضت داشتند،

نقش یاران آن حضرت نیز در تداوم و جاودانگی نهضت عاشورا، بسیار مهم و ارزنده است.

لذا در این جا قصد داریم گذری کوتاه بر برخی از ویژگی های

از اصحاب کربلا تا یاران مهدی عج

مشترک یاران امام حسین (علیه السلام) و یاران امام زمان (علیه السلام) بیندازیم.

یکی از ویژگی‌های مشترک یاران امام حسین (علیه السلام) و امام زمان (علیه السلام) معرفت نسبت به وجود خداست. خداپاوری و معنویت یاران امام حسین (علیه السلام) در شب عاشورا، جلوه‌ی خاصی داشته است به گونه‌ای که صدای عبادت و نیایش و نماز شب آنان، در خیمه‌ها پیچیده بود.

یاران امام زمان (علیه السلام) نیز شناخت عمیقی در باره‌ی خداوند دارند. امام علی (علیه السلام) در باره‌ی آنان می‌فرماید: آن‌ها (یاران مهدی (علیه السلام)) مردانی هستند که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته‌اند.^۲

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک اصحاب و یاران امام حسین (علیه السلام) و امام زمان (علیه السلام) پاسداری از دین خداست. شهدای کربلا، جان خود را در حفظ و پاسداری از دین خدا، فدا کردند. در زیارتنامه شهدای کربلا می‌خوانیم: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الذَّاؤُونَ عَنِ تَوْحِيدِ اللَّهِ؛ سلام بر شما که یاوران و حامیان دین خدا بودید و برای حاکمیت دین و محو ظلم و ستم و شرک و الحاد و بت پرستی جنگیدید و بذل جان نمودید.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های یاران امام زمان (علیه السلام) نیز پاسداری و حمایت از آیین و شریعت الهی است. امام صادق (علیه السلام) در معرفی آن‌ها می‌فرماید: ... رَجَالٌ يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى اطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ، رُهْبَانَ بِاللَّيْلِ، لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ هَمَّ اطْوَع لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لَسِيدَهَا...؛ آنان شب زنده دارند، در نمازشان زمزمه ای دارند همچون صدای زنبوران در کندوها، شب‌ها به عبادت می‌ایستند و روزها سوار بر اسب‌ها (دنبال جهاد و دفاع از دین خدا) هستند، زاهدان

شب‌اند و شیران روز و گوش به فرمان امام خویش می‌باشند...^۳ هم چنین می‌فرمایند: آنان آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند.^۴ ویژگی دیگر یاران امام حسین(ع) ولایت مداری است. آن‌ها بارها ولایت مداری خویش را به نمایش گذاشته و با آن که امام(علیه السلام)، بیعت خویش را از آنان برداشته بودند اما مخلصانه در صحنه مانده و عهد خویش را نشکستند. نمونه‌ی بارز آن حضرت ابوالفضل(علیه السلام) ستاره‌ی درخشان آسمان ادب و وفاداری هستند که در شب عاشورا خطاب به امام حسین(علیه السلام) عرضه داشتند: به خدا سوگند! هرگز از تو جدا نمی‌شویم، جانمان فدای جانتان باد... و اگر کشته شویم، به عهد خویش و آن چه بر عهده ماست، وفا کرده ایم.^۵

حبیب بن مظاهر نیز در لحظات آخر عمر مسلم بن عوسجه، به کنار ایشان آمده و به وی بشارت بهشت داد، مسلم نیز به وی توصیه کرد که دست از امام بردارد تا در راه او کشته شود.^۶

یاران حضرت مهدی(علیه السلام) نیز این گونه هستند. به امام خویش عشق می‌ورزند و شیفتگی خویش را به هر بهانه و هر جا، نشان می‌دهند. امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: یاران مهدی(علیه السلام) در میدان رزم در اطراف او می‌چرخند و با جان خود از او محافظت می‌کنند.^۷

شجاعت یاران امام حسین(علیه السلام) از ویژگی‌های شاخص آن هاست چرا که ریشه در اعتقاد و باورهای آنان داشت، آنان، به شوق و عشق شهادت می‌جنگیدند، از مرگ، هراسی نداشته و در برابر دشمن، سستی نشان نمی‌دادند، آنان یاران امامی بودند که مرگ در راه خدا را عزت می‌دانست.

رشادتی که حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، مسلم بن عقیل، قاسم و دیگران از خود نشان دادند، بیانگر آن است که آنان از شجاع ترین انسان های زمان خود بوده اند. سران سپاه دشمن، آنان را این گونه توصیف کرده اند: کسانی بر ما تاختند که پنجه هایشان بر قبضه ی شمشیرها بود، آنان هم چون شیرانِ خشمگین، بر سوارانِ ما تاختند و آنان را از چپ و راست، تار و مار کردند و خود را در کام مرگ افکندند.^۸

یاران حضرت مهدی (علیه السلام) نیز مردمانی دلیر و جنگاورند و عشق به خدا و امام، به آنان قوت بخشیده، دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن نمی هراسند. امام باقر (علیه السلام) در توصیف شجاعت یاران حضرت مهدی (علیه السلام) می فرماید: گویا آنان را می نگرم، سیصد و اندی مرد که بر بلندای نجف و کوفه ایستاده اند و دل هایی چون پولاد دارند و ترس از هر سو، به دل های دشمنانشان، سایه افکنده است، در سوارکاری و تیراندازی بی نظیر هستند (و) در میدان رزم، نشان شجاعت بر تن دارند...^۹

۱- الغیبه نعمانی، ص ۲۳۰، باب ۱۳، ح ۱۳

۲- منتخب الاثر، ج ۵، پ ۹، ح ۱۱۹۸-۲، ص ۱۶۴

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶، ح ۸۲

۴- همان

۵- وقعة الطف، ص ۱۹۹

۶- مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۱۵

۷- بحارالانوار، ج ۵۲، پ ۲۶، ح ۸۲، ص ۳۰۸

۸- عنصر شجاعت (یا هفتاد و دو تن و یک تن) اصحاب سید الشهداء، خلیل کمره ای، ج ۱، ص ۲۰

۹- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳

هنگام بعثت پیامبر اکرم ﷺ در سرزمین حجاز، جاهلیت بر سر تا سر این سرزمین، حاکم بود. امیرالمومنین علی (علیه السلام) درباره‌ی آن دوران می‌فرماید: شما ای جماعت عرب، پیش از آن، بدترین آیین را داشتید و در بدترین خانه به سر می‌بردید (که قحطی و فتنه و فساد در آن جا بسیار بود) در زمین های سنگلاخ و میان مارهای پر زهری که از آوازا نمی‌رمیدند مثل این که کر بودند، اقامت داشتید. آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید (و) در همه حال، به بت پرستی و گناه مشغول بودید.^۱

اما پیامبر اسلام ﷺ آن چنان تحولی در جامعه‌ی آن روز ایجاد کردند که پس از مدت زمان کوتاهی، جامعه‌ی کاملاً متفاوت، با آن چه پیش از آن بود، پدید آوردند.

ولی با شهادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، خاندان بنی امیه که از همان ابتدای بعثت رسول خدا ﷺ و تشکیل حکومت اسلامی، به

امتداد
یک
هدف

دنبال تصاحب حکومت بودند، فرصت را مناسب دیده و بعد از به خلافت رسیدن عثمان، در جلسه‌ای که فقط خاندان امیه در آن حاضر بودند، ابوسفیان گفت: اکنون که قدرت و حکومت به دست شما افتاده، آن را همچون گوی، به یکدیگر پاس دهید و کوشش کنید که از دودمان بنی امیه بیرون نرود، من سوگند یاد می‌کنم که نه عذابی در کار است و نه حسابی، نه بهشتی هست و نه جهنمی و نه قیامتی...^۲

بنابراین زمانی که معاویه به عنوان خلیفه، سرنوشت کشور اسلامی را در دست گرفت، حزب ضد اسلامی اموی را بر امت اسلام، مسلط کرد. هم چنین او با کمک کارگزاران ستمگر خود، حکومت سلطنتی و استبدادی را تشکیل داد و چهره‌ی اسلام را وارونه ساخت.

معاویه در دوران حکومت خود، مسلمانان را تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار داد و با کشتار و قتل و شکنجه و تحمیل گرسنگی و فقر، از هرگونه مخالفت، جلوگیری کرد. علاوه بر آن بین قبایل، رقابت و تبعیض نژادی را دوباره احیا نمود و آنان را به جان یکدیگر انداخت. از سوی دیگر با کمک عوامل خود فروخته‌ی خود، به جعل حدیث و تفسیر آیات قرآن به نفع خود، پرداخت و از این طریق، به حکومت خود، مشروعیت بخشید.

معاویه فردی فریبکار و بازیگری متبهر بود. او اگرچه اسلام را تحریف کرده، حکومت اشرافی اموی را جایگزین حکومت ساده‌ی اسلامی نموده بود و جامعه اسلامی را به غیر اسلامی تبدیل کرده بود اما می‌دانست چون به نام

اسلام، حکومت می‌کند، باید به اعمال خود، رنگ دینی بدهد تا بتواند بر مردم حکومت کند.

معاویه در دوران حکومت پلید خود، تمام سعی خود را کرد تا با تبلیغات کینه توزانه، خاندان پاک پیامبر خدا ﷺ را در نظر مردم شام، ترور شخصیت کرده و بنی امیه را خویشان رسول خدا ﷺ معرفی نماید....

زمانی که امام حسن علییه به مقام امامت و جانشینی امیرالمومنین علییه رسیدند، به دلیل شبکه جاسوسی و سیستم تبلیغاتی معاویه و هم چنین عدم تبعیت مردم از امام و نبود لشگری وفادار و ... مجبور به صلح با معاویه شدند.

امام حسین علییه نیز پس از شهادت برادر، به دلیل پایبندی به صلح برادر و شناختی که نسبت به معاویه داشتند، دست به قیام نزدند چرا که اگر امام حسین علییه در زمان معاویه قیام می‌کردند، معاویه به راحتی می‌توانست آن را در افکار عمومی، اختلافی بر سر قدرت، معرفی کند نه قیام حق علیه باطل!!

اما معاویه بر خلاف یکی از مفاد صلح نامه که حق ندارد کسی را به جانشینی خود معرفی کند، فرزندش یزید را به جانشینی خود انتخاب کرد. حکومت، به دست فردی افتاد که می‌خواست با آیین اسلام که کمترین عقیده‌ای به آن نداشت، به عنوان حاکم اسلامی، بر مردم حکومت کند. او پس از رسیدن به حکومت، نتوانست مانند پدرش، حداقل ظاهر دینی خود را حفظ کند بلکه او به صورت آشکار، به مقدرات اسلامی توهین می‌کرد. او جوانی شرابخوار و فاسد بود. لذا امام حسین علییه پس

از مرگ معاویه، درخواست حاکم یزید را نپذیرفته و با شعار امر به معروف و نهی از منکر از مدینه خارج شدند زیرا که جهان اسلام آن روز را فساد فرا گرفته و حکومت وقت، خود سرچشمه فساد بود. لذا امام علیه السلام به حکم وظیفه‌ی الهی و مسئولیت شرعی، باید قیام می‌کردند تا اُمت جدشان را از گمراهی نجات داده و به سوی حق، راهنمایی نمایند. در زیارت اربعین از قول امام صادق علیه السلام در توصیف امام حسین علیه السلام آمده است: حسین علیه السلام خون قلبش را در راه خدا بخشید تا بندگان را از جهالت و گمراهی نجات دهد.

امام حسین علیه السلام به مبارزه با مستکبران و طاغوت‌های عصر خود پرداختند تا دین اسلام را احیاء و مردم را از جهل فرهنگی و سیاسی نجات بخشند و عدالت اجتماعی را در جامعه اسلامی برقرار نمایند. عصر انتظار نیز چنین است. حضرت مهدی علیه السلام نیز با ستمگران، مشرکان و مستکبران جهان مبارزه خواهند کرد تا احکام الهی و سنت جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله را احیاء و زمینه را برای تحقق عدالت اجتماعی در سرتاسر گیتی به معنای واقعی کلمه فراهم نمایند، احیای ارزش‌های اسلامی و برپایی حکومتی بر پایه عدالت و معنویت.

هم چنین امام حسین علیه السلام احیای امر به معروف و نهی از منکر را از اهداف خود بیان فرمودند. امام علیه السلام هنگامی که قصد داشتند مدینه را به سمت مکه ترک نمایند، در کنار قبر جد بزرگوارشان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: خدایا! من معروف را دوست دارم و از منکر بیزارم.^۳

هدف امام علیه السلام از امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه اسلامی و احیای سنت نبوی بود. حضرت در نامه ای خطاب به بزرگان بصره مرقوم فرمودند: من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کنم، زیرا سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بین رفته است. اگر دعوت مرا بپذیرید و امر مرا اطاعت کنید، شما را به راه هدایت، راهنمایی می کنم...^۴

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، نیز فریضه ای امر به معروف و نهی از منکر برای احیای ارزش ها و ایجاد عدالت اجتماعی، نقش بسزایی دارد. از امام باقر علیه السلام درباره آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»^۵ سؤال شد، ایشان فرمودند: این آیه درباره ی حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش وارد شده است. خداوند آن ها را سلطنت مشرق و مغرب زمین می دهد و به دست آنان، دین خود را ظاهر می سازد و به سبب او و اصحابش، بدعت ها را نابود می کند، چنان که سفیهان، حق را پایمال کردند و در دوران او، در روی زمین اثری از ظلم دیده نمی شود، (مهدی علیه السلام و اصحابش) امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت امور، به دست خداست.^۶

۱- نهج البلاغه خطبه ۲۶

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۴-۴۵

۳- مقتل الحسين خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۶- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸

۴- ابن اعثم، کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۳۷- خوارزمی،

مقتل الحسين، ج ۱، ص ۱۹۹

۵- حج/ ۴۱

۶- اثبات الهداه، ج ۷، ب ۳۲، ص ۱۳۲،

ح ۶۶۵

همان گونه که در شماره‌های قبل بیان کردیم یکی از دلایل رجوع عموم مردم به رسانه، پر کردن اوقات فراغت است. در حالی که اگر انسان برای پر کردن اوقات فراغت خود، برنامه داشته باشد و آن را با مسائل تفریحی و لازم زندگی پر کند، دیگر مسئله رسانه، خود به خود کمرنگ می‌شود. اما گاهی برای مقابله با رسانه‌های معاند، لازم است حاکمیت و رسانه ملی وارد عمل شوند تا بتوانند با انجام وظیفه خود، پای رسانه‌های معاند را از زندگی مردم کوتاه کنند. حاکمیت و رسانه ملی به عنوان بازوان حکمرانی رسانه‌ای کشور، می‌توانند نقش مهمی را در تولید و تبیین و سیاست‌گذاری رسانه‌ها اعمال نمایند. در این جا به بیان برخی از مسائلی که می‌تواند به عنوان راهکارهای کاربردی در این زمینه به مردم کمک نماید، می‌پردازیم:

روانشناسی مخاطب

انسان‌ها، موجودات بسیار عجیب و متنوعی در روحیه، افکار، تربیت، ژنتیک، قومیت، ملیت و... هستند. در علم روانشناسی، انسان‌ها به ۱۶ تیپ شخصیتی تقسیم می‌شوند که هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند. هر چند که بین انسان‌ها، فصل‌های مشترک بسیاری هست اما وجود این تفاوت‌ها با ریشه‌های مختلف در بین انسان‌ها

رسانه

رسانه

باعث می‌شود تا برای داشتن یک برنامه‌ی جامع فرهنگی از یک در، وارد نشوند. وقتی می‌خواهیم یک عرصه‌ای را مثل رسانه ملی آن هم در کشوری مثل ایران که تعدد اقوام، فرهنگ، اعتقاد و حتی گویش دارد، را مدیریت کنیم، اولین قدم شناخت درست و صحیح نسبت به روانشناسی این حجم از مخاطبی است که می‌خواهد اوقات خود را پای رسانه ملی بگذراند. گاهی یک فیلم و سریال و مسابقه، می‌تواند با ایجاد و استفاده از فصل مشترک مخاطبین، مشتری خود را داشته باشد اما به صورت عمومی، این گونه نیست که واقعاً بتوان به چنین چیزی دست پیدا کرد. علت آن هم تفاوت در بین مخاطبین است. ممکن است یک سریال برای کسانی که در یک منطقه از کشور زندگی می‌کنند، پر بازدید باشد اما برای برخی مناطق، جذابیت نداشته باشد. مثال واضح آن را می‌توان در ژانرهای مختلف فیلم‌ها دید. برخی از فیلم‌های کمدی لذت می‌برند و مشتری این فیلم‌ها هستند، گروهی دیگر دنبال کننده‌ی فیلم‌های اکشن هستند، افرادی علاقه به فیلم‌های تاریخی دارند، برخی نگاهشان به سینمای وحشت است و بعضی فیلم‌های تخیلی را می‌پسندند، عده‌ای هم برای فیلم‌های عاشقانه و رمانتیک سر و دست می‌شکنند. علت چیست؟ چرا اگر ما همه انسان

و از یک جنس هستیم، دارای یک سلیقه نیستیم؟ چرا چیزی که برای یک عده خوشایند است، برای برخی مشمئزکننده است؟ چرا بعضی برای یک سرگرمی مثل تماشای دیدن یک مسابقه فوتبال، تمام زندگی را خود را تحت الشعاع قرار می‌دهند به گونه‌ای که اگر شخصی طرفدار یک تیم فوتبال باشد، هنگام مسابقه همه حواس خود را معطوف به آن می‌کند و برنامه زندگی خود را با زمان مسابقه، هماهنگ می‌کند اما برخی نسبت به چنین چیزی هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند و هیچ علاقه‌ای برای تماشای فوتبال ندارند و گروهی دیگر، علاقه که ندارند هیچ، اگر کسی هم مبادرت به آن کند، او را مورد مذمت و تمسخر قرار می‌دهند و آن را اتلاف وقت می‌شمارند؟

علت این را می‌توان در تفاوت‌های موجود بین انسان‌ها جستجو کرد. ما هیچ گاه نمی‌توانیم تولید محتوای درستی برای مخاطبین خود داشته باشیم مگر این که در ابتدای امر، شناخت درستی از تیپ، شخصیت، فرهنگ، قومیت، تعصبات مذهبی افراد کشور به صورت فردی و اجتماعی داشته باشیم.

رسانه‌های غربی به شیوه‌ی کاملاً هوشمند، به این امر واقف هستند که از همین رو به صورت کاملاً حرفه‌ای برای تمامی مخاطبین موجود در جهان با هر تیپ، شخصیت و سلیقه‌ای، تولید محتوا می‌کنند. لذا آن‌ها

رسانه

رساله

با تیپ شناسی دقیق و بررسی کامل فرهنگ‌ها، ملیت‌ها و قومیت‌ها و حتی حساسیت‌هایی که در مسائل اعتقادی و باورهای دینی وجود دارد، دست به تولید حجم زیادی از محتوای رسانه‌ای و فرهنگی می‌زنند و بدین وسیله مخاطب را مجذوب و مسحور خود می‌کنند.

البته آن چه واضح و مبرهن است این است که رسانه‌های جهان غرب، کاملاً در اختیار نظام‌های سیاسی و اقتصادی گروهی خاص و با اهدافی خاص از صهیونیست بین الملل هستند که هدفشان جز استعمار و استثمار ملل دنیا نیست. کمپانی‌های بزرگی که در حوزه‌های مختلف سرگرمی و خبری، به صورت کامل، فعال هستند و مخاطبین خود را با محتوایشان جهت دهی می‌کنند. کمپانی‌های مشهوری مثل Walt Disney، Paramount Pictures، Warner Bros شبکه‌ای مشهور خبری، CNN، Fox news، BBC، Independent، Associated press و تعداد پرشماری کمپانی و شبکه تلویزیونی و ماهواره‌ای سال‌هاست با حجم فزاینده و متنوعی، چتر بزرگی از رسانه را بر سر مردم جهان برافراشته‌اند که منبع مهم تفریح و سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت و منبع اطلاعاتی و خبری محسوب می‌شوند. علت موفقیت آن‌ها در جذب مخاطب‌های بین المللی چیست؟ روانشناسی مخاطب.

لذا رسانه ملی اگر می‌خواهد در جذب مخاطب موفق باشد، لازم است شناخت درستی از روانشناسی بینندگان احتمالی خود داشته باشد تا بتواند با توجه به هر سلیقه و ذائقه‌ای تولید محتوا کند و آن‌ها را جذب خود نماید. استفاده از کارشناسان خُبره در حوزه روانشناسی، جامعه‌شناسی و رسانه، رکن اولیه‌ای است که باید به آن پرداخت. عدم درک درست رسانه ملی از مخاطبین خود باعث می‌شود در وهله اول مخاطبین، علاقه‌ای به رجوع به رسانه ملی نداشته باشند و از طرفی با توجه به وجود تکنولوژی امروز در رسانه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی که به صورت عموم زیر سلطه امپراتوری رسانه‌های غرب است، متمایل شوند که با توجه به اهداف رسانه‌های غربی در جذب مخاطب، ما را با فاجعه‌های خسارت بار فرهنگی، مواجه می‌کند که جبران آن بسیار سخت و مشکل است.

ادامه دارد.
محمدعلی غیبی

رسانه

اسم اعظم

زمانی از استادمان آیت اللہ سید محمد کشمیری رحمۃ اللہ علیہ درخواست کردم، اسم اعظم را به من بیاموزد. ایشان فرمود: اگر اسم اعظم را می‌خواهی، از نام مبارک صاحب الزمان عجلت مکن غفلت مکن. اسم اعظم، همان جمله «یا صاحب الزمانِ اَعْتِنِی، یا صاحب الزمانِ اُدْرِكْنِی» است.

آیت اللہ کشمیری، بارها مشکلات مادی و به ویژه مشکلات معنوی خود را با استعانت از این نام و ذکر «یا صاحب الزمانِ اَعْتِنِی، یا صاحب الزمانِ اُدْرِكْنِی» بر طرف کرده بودند و بنده نیز خود بارها اثر این نام مبارک را برای رفع مشکلات، به چشم دیده‌ام!

داستان شعر محتشم

محتشم پسر (برادر) داشت که از دنیا رفت، چند بیت شعر در رثای وی گفت: شبی رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را در خواب دید که به او فرمودند: تو برای فرزند خود مرثیه می‌گویی ولی برای فرزند من، مرثیه نمی‌گویی؟!

محتشم می‌گوید: بیدار شدم ولی چون در این رشته، کار نکرده بودم، ندانستم چگونه مرثیه برای آن حضرت را شروع نمایم.

شب دیگری خواب آن حضرت را دیدم

اندکے
درنگ



که فرمودند: چرا در مصیبت فرزندم، مرثیه نگفتی؟
عرض کردم: چون تاکنون در این وادی قدم نزده‌ام.
فرمودند: بگو «باز این چه شورش است که در خلق عالم است.»
هنگامی که بیدار شدم، همان مصرع را مطلع قرار داده و آن چه
می‌بایست، سرودم، تا به این مصرع رسیدم: «هست از ملال گر
چه بری ذات ذوالجلال» در این جا ماندم که چگونه این مصراع را به
آخر برسانم که به مقام خداوند، جسارتی نکرده باشم...
شب حضرت ولی عصر^{علیه السلام} را در خواب دیدم که فرمودند: چرا مرثیه خود
را به اتمام نمی‌رسانی؟ عرض کردم: در این مصرع مانده‌ام.
ایشان فرمود: بگو: «او در دل است و هیچ دلی نیست، بی ملال.»
بیدار شده و این مصرع را ضمیمه آن نموده و بیت را به آخر
رساندم.^۲

شرط شیعه شدن

صاحب کتاب کشف الغمه نقل می‌کند: سید باقی بن
عطوه، برای من نقل کرد: پدرم (عطوه) زیدی
مذهب بود، بیمار شد و بیماری او طول
کشید و همه پزشکان از درمان آن عاجز
ماندند...

من و برادرانم که پسران او بودیم، به
مذهب شیعه دوازده امامی تمایل داشته

اندک
درنگ



و بودیم۔ پدرم از این جهت از ما آزرده خاطر بود و مکرر به ما می گفت: من مذهب شما را نمی پذیرم مگر این که صاحب شما، حضرت مهدی (عج) بیاید و مرا شفا دهد.

اتفاقاً شبی هنگام نماز عشاء، همه ما در یک جامح بودیم که شنیدیم: پدرم فریاد می زند: صاحب خود را در یابید که همین لحظه از نزد من بیرون رفت. ما با شتاب از خانه بیرون پریدیم، هر چه دویدیم و به اطراف نگرستیم، کسی را ندیدیم. برگشته و از پدر پرسیدیم: جریان چیست؟

او گفت: شخصی نزد من آمد و فرمود: ای عطوه! گفتم: شما چه کسی هستید؟ گفت: من صاحب پسران تو هستم، آمده ام به اذن خدا، تو راشفا دهم. سپس دست بر محل درد من کشید و همان لحظه به طور کلی بیماریم برطرف شد و کاملاً سلامتی خود را باز یافتیم.^۳

اندکے
درنگ



- ۱- برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصری
- ۲- الکلام یجر الکلام، ج ۲، ص ۱۱۰ (ولی مرحوم ملا علی خیابانی در وقایع الایام، ص ۵۸ به جای رسول اکرم ﷺ می نویسد: امیرالمؤمنین ﷺ را در خواب دید)
- ۳- اثباه الهداه، ج ۷، ص ۳۵۴ - نجم الثاقب، ط جدید، حکایت نهم: عطوه علوی زیدی، صص ۴۳۰-۴۲۹

پیمان ابراهیم یا توافق‌نامه‌ی ابراهیم، برگرفته از نام حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان نماد مشترکِ ادیان ابراهیمی است و هدف از آن، ایجاد صلح بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی و اسلامی می‌باشد. این پیمان، مجموعه‌ای از توافق‌نامه‌هایی است که به دنبال عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی می‌باشد که تحت نظارت جُرد کوشنر، داماد یهودی ترامپ در دوره‌ی اول ریاست‌جمهوری ترامپ انجام گرفت. پیش از امضای این توافق‌نامه در سال ۲۰۲۰، دولت ترامپ، سفارت ایالات متحده را از تل‌آویو به بیت‌المقدس منتقل کرد، دفتر سازمان آزادی‌بخش فلسطین را واشنگتن را تعطیل و اعلام کرد که ایالات متحده، دیگر شهرک‌های اسرائیلی در کرانه باختری را غیرقانونی نمی‌داند.

خاورمیانه متحد

کابوس رژیم صهیونیستی



سپس در سال ۲۰۲۰، ترامپ و نتانیاهو طرح صلح برای رفاه، را راه‌اندازی کردند. در حالی که تلاش‌های صلح گذشته، حداقل به مشارکت فلسطینی‌ها اشاره داشت، این طرح، وعده‌ی توسعه‌ی اقتصادی به قیمت از دست رفتن کشور فلسطین را می‌داد.

امارات متحده عربی و بحرین در سپتامبر ۲۰۲۰، مراکش در دسامبر ۲۰۲۰، سودان در ژانویه ۲۰۲۱ و قزاقستان در نوامبر ۲۰۲۵ توافق‌نامه ابراهیم را امضا کردند.

به این کشورها در ازای به رسمیت شناختن رژیم غاصب صهیونیستی، مشوق‌های زیادی پیشنهاد شد که عمدتاً شامل توافق‌های اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک بود. به عنوان مثال، امارات متحده عربی، سلاح‌های پیشرفته و فناوری نظامی را از آمریکا دریافت کرد و حاکمیت مراکش بر صحرای غربی، توسط آمریکا به رسمیت شناخته شد....

پیش از این، روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی عمدتاً محدود به مصر (توافق کمپ دیوید ۱۹۷۹) و اردن (توافق ۱۹۹۴) بود، اما با توافق ابراهیم، قرار بود این روابط به سطح گسترده و جدیدی برسد.

هدف ادعایی در این پیمان، رفع یکی از تاریخی‌ترین ریشه‌های بحران در خاورمیانه یعنی تقابل رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و در نهایت برقراری صلح و دوستی میان آن‌ها و به رسمیت شناختن این رژیم نامشروع از جانب کشورهای عربی، بدون این که راه‌حل مورد قبول برای مسئله فلسطین، ارائه داده شود، بود.

اما در سال ۲۰۲۳ با شروع جنگ ویرانگر رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه،

این توافق در معرض فروپاشی قرار گرفت. کشتار بی سابقه اسرائیل در غزه و ویرانی‌های گسترده در غزه و کرانه‌ی باختری، بسیاری از کشورهای عربی را نسبت به آینده‌ی این توافق، دچار تردید کرد. عربستان سعودی که از مدافعان تشکیل کشور مستقل فلسطین بود، ظاهراً از امضای توافق‌نامه، بدون ارائه‌ی تضمین‌های محکم برای خودمختاری فلسطینیان، خودداری کرد. کشورهایی مانند پاکستان، قطر و ترکیه، از یک سو با وجود تشکل‌های مدافع حقوق فلسطینیان در داخل کشورهايشان، در این مورد احتیاط کامل را در نظر گرفتند تا با ناراضایتی علنی، مواجه نشوند و از سوی دیگر انتظار داشتند تا آمریکا مشوق‌های بزرگی برای ترغیب آن‌ها ارائه دهد.

اگر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی قبل از اکتبر ۲۰۲۳ از نظر سیاسی، دشوار بود، نسل‌کشی در غزه، آن را به طور قابل توجهی دشوارتر کرد. هم چنین وجود جبهه‌ی مقاومت و حمایت جمهوری اسلامی ایران از آن، این مسیر را برای آنان سخت تر می‌نمود. لذا آن‌ها که از قبل به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بوده و موفق نشده بودند، این بار راه دستیابی به این هدف را از طریق استراتژی فشار حداکثری همراه با حمایت همه جانبه از اپوزیسیون ایران، ایجاد اغتشاش، کودتا و حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران و دنبال کردند اما به لطف الهی و رهبری مقتدر و وحدت مردم، به هیچ‌یک از اهدافش نرسیدند.

اکنون آمریکا و رژیم صهیونیستی از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی ضعیف‌تر از آن چیزی هستند که در آستانه‌ی عملیات نظامی مشترک آن‌ها علیه ایران، در اواخر فوریه بودند. ذخایر تسلیحاتی آن‌ها به شدت کاهش یافته، شوک

انرژی جهانی، باعث نارضایتی داخلی شده است. لذا اتحاد آن‌ها با کشورهای خلیج فارس، اکنون در حال ارزیابی مجدد است زیرا این روابط، مانع از حمله جمهوری اسلامی ایران به کشورهای متجاوز خلیج فارس نشده و ایران با وجود از دست دادن امام شهید خود و برخی از فرماندهان نظامی و ... در تجاوز دشمنان، اکنون قدرتمندتر از همیشه می‌باشد.

هم ترامپ و هم نتانیاهو به شدت به یک پیروزی نمادین، نیاز دارند که بتوانند قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و انتخابات کنست در اواخر امسال، به رأی‌دهندگان خود ارائه دهند. این امر تا حدودی مشخص می‌کند که چرا ترامپ در تلاش است تا پیمان ابراهیم را که مدت‌هاست از آن به عنوان یکی از بزرگترین موفقیت‌های سیاست خارجی دوره اول ریاست‌جمهوری خود، یاد می‌کند، دوباره احیا کند.

لذا ترامپ در تماس تلفنی با شرکای منطقه‌ای خود از جمله عربستان سعودی، قطر، پاکستان، امارات متحده عربی، بحرین، ترکیه، مصر و اردن تأکید کرد که گنجاندن آن‌ها در هرگونه توافق با ایران، به پیوستن

آن‌ها به توافق‌نامه ابراهیم، بستگی دارد که در واقع به معنای برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی و عادی‌سازی روابط با این رژیم است. ترکیه و پاکستان، صراحتاً این درخواست را رد کردند. ترکیه، رژیم غاصب را عامل بی‌ثباتی منطقه می‌داند و عربستان نیز بر تشکیل کشور فلسطین تأکید دارد. تحلیلگران معتقدند همگرایی منطقه‌ای علیه رژیم اشغالگر، احیای این توافق را به کابوسی استراتژیک برای تل‌آویو تبدیل کرده است.

اقدامات افسارگسیخته رژیم صهیونیستی امروز به عنوان تهدید اصلی تلقی

شده و کشورهای منطقه، رژیم اسرائیل را عامل بی ثباتی منطقه می‌دانند. خط فکری امروز در منطقه این است که حل مشکلات با ایران کم‌هزینه‌تر از جنگ با آن است

هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه می‌گوید: کشورها باید به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر احترام بگذارند. اسرائیل دیگر فقط تهدیدی برای فلسطینی‌ها، لبنان و ایران نیست، بلکه تهدیدی برای کل منطقه به حساب می‌آید ...

این اظهارات پس از آن صورت گرفت که جاناتان پولارد، جاسوس اسرائیلی مصاحبه‌ای انجام داد که در آن گفت: جنگ بعدی اسرائیل احتمالاً علیه ترکیه و مصر خواهد بود. توسعه دکتترین نظامی آنکارا را دنبال کرده‌ایم و هرگونه نبردی با آن، سخت‌تر از نبرد با ایران خواهد بود. از این رو اسرائیل باید کار ایران، غزه و حزب‌الله را تمام کند تا برای نبرد بزرگ با ترکیه آماده شود.... سخنان فیدان به خوبی نشان‌دهنده این موضوع است که یک همگرایی واقعی در منطقه در حال شکل‌گیری می‌باشد که ناشی از تهدید رژیم صهیونیستی است. این بدترین کابوس این رژیم غاصب خواهد بود: خاورمیانه متحد.

امام شهید
در کلام
بزرگان

تقوا

شهید مطهری در پنجم بهمن ۱۳۵۳ به تجلیل از شخصیت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای پرداخته اند. آیت‌الله خامنه‌ای در آن زمان توسط شهربانی استان خراسان بازداشت شده بودند. در گزارش ساواک آمده: مطهری پس از ستودن (آیت‌الله) خامنه‌ای او را از عوامل مؤثر در روشن کردن افکار اجتماع دانسته است. وی در محل دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ضمن اظهار تأسف از بازداشت سیدعلی خامنه‌ای اظهار داشته: ما کمتر نمونه ارزنده ای چون (آیت‌الله) خامنه‌ای داریم و این نیروها هم باید این گونه، گوشه‌ی زندان تباه گردند...

هم چنین شهید مطهری می‌فرمودند: سیدعلی خامنه‌ای از نمونه‌های ارزنده‌ای هستند که برای آینده، موجب امیدواری می‌باشند. من از اخلاص آقای خامنه‌ای تعجب می‌کنم، ایشان هیچ گاه، به دنبال خودنمایی نیستند که بخواهند خودشان را مطرح کنند و خودشان را نشان بدهند، من در جریان کمیته استقبال از حضرت امام، بیشتر به تقوای ایشان پی بردم.^۱



استقبال خاص

یکی از روزها که حضرت آقا به جمکران تشریف برده بودند، حدود ساعت دو شب به حضرت آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی خبر می‌دهند که آقا صبح بعد از نماز می‌خواهند به منزل شما تشریف بیاورند. تیم حفاظت ساعت چهار صبح برای آماده کردن شرایط، به منزل ایشان می‌روند که متوجه می‌شوند آقای بهاء‌الدینی، پیرمرد نود ساله جلوی در خانه ایستاده‌اند. می‌گویند: آقا چرا با این کهولت سن، این جا تشریف دارید؟ ایشان می‌فرمایند: من از همان ساعتی که شما زنگ زدید، برای استقبال رهبر بزرگ انقلاب ایستاده‌ام.

اخلاص

شهید محراب، عارف عامل، آیت‌الله دستغیب می‌فرمودند: چیزی که بنده نسبت به این شخص بزرگ، فهمیده‌ام این است که فردی است خدایی، به دنبال مقام و قدرت نیست، امتحان خویش را پیش از پیروزی و بعد از پیروزی و در هر پستی که بوده، پس داده است. کسی که امام جمعه تهران باشد، آن وقت در جبهه برود، در سنگرها از اسلام دفاع کند... این مرد بزرگ، به عینه مثل رهبر عظیم‌الشأن (حضرت امام) برای خود مقامی،



قائل نیست، امام می فرمودند: به من خدمتگزار بگویید بهتر از این است که رهبر بگویید. آقای خامنه‌ای هم این گونه هستند، به دنبال مقام نیستند، مقام بر روی ایشان اثر نمی گذارد.

علم سرشار

در سال ۵۶ به اتفاق آقای صدوقی و تعدادی از آقایان دیگر، تصمیم گرفتیم به افرادی که در تبعید هستند، سری بزنیم. چون مقام معظم رهبری به ایرانشهر تبعید شده بودند، خدمت ایشان رسیدیم. به امامت آقای صدوقی نماز مغرب و عشا را خواندیم. شنیده بودم که در سمت ایرانشهر، کفش‌های خوبی تولید می‌شود، لذا تصمیم گرفتم به بازار رفته و یک جفت کفش بخرم. کارم یکی، دو ساعت طول کشید. به خانه آقای خامنه‌ای تلفن زدم که دیگر آقای صدوقی و آقای خامنه‌ای برای صرف غذا، منتظر من نباشند و شام را میل کنند. وقتی برگشتم دیدم این دو بزرگوار هنوز مشغول بحث هستند. وارد که شدم، آقای صدوقی به من گفتند: ماشاءالله، ماشاءالله، این سیدعلی آقا، خیلی مُشت شان پر است (از لحاظ علمی).

صبح روز بعد به چابهار برای زیارت آقای مکارم رفتیم. در این فاصله، اسم



آقای خامنه‌ای از دهان آقای صدوقی نیفتاد، از بس که مجذوب ایشان شده بودند. بعد از زیارت آقای مکارم، گفتم: کنار دریا برویم تا مدتی استراحت کنیم. ایشان گفتند: من می‌خواهم پیش آقای خامنه‌ای برگردم. بعد از برگشت، حدود دو ساعتی با هم بحث کردند. از لحاظ علمی آقای خامنه‌ای، مورد تأیید صددرصد آقای صدوقی بودند.

در زمان انقلاب، حزب جمهوری اسلامی و امام جمعه بندرعباس، با هم اختلافی پیدا کرده بودند. آقای صدوقی به من فرمودند: درباره‌ی اختلاف آن‌ها، گزارشی تهیه کنم. بعد از تهیه و دادن گزارش آن به آقای صدوقی، ایشان پرسیدند: چه زمانی به تهران می‌روی؟ گفتم: فردا.

ایشان پاکتی را به من دادند که پشت پاکت نوشته بودند: تقدیم به محضر مبارک آیت‌الله العظمی آقای خامنه‌ای.

پسر آقای صدوقی با تعجب پرسیدند: آیا ایشان به مقام آیت‌اللهی رسیده‌اند؟ آقای صدوقی از بالای عینک به پسرشان نگاه کرده و فرمودند: بله که آیت‌الله



هستند!

اطاعت

در سال ۱۳۶۹ بنده به حاج احمدآقا خمینی گفتم: شما طی یک سخنرانی اعلام کردید که هر کس بین اطاعت از مقام معظم رهبری و اطاعت از امام راحل علیه السلام تفاوت قائل باشد، در خط آمریکا است؟!!

ایشان با تأیید دوباره‌ی این سخن، گفتند: بنده از روی اعتقاد این حرف را زده‌ام. بعد ایشان فرمودند: برخی از این افراد، دور من را گرفته‌اند که بنده را در مقابل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار دهند که من متوجه شده و توی دهنشان زدم.

حاج احمدآقا در ادامه فرمودند: باید به این احمق‌هایی که می‌گویند آقای خامنه‌ای، نباید رهبر شود، گفت: پس چه کسی؟! اگر نظر آن‌ها بر روی فلانی است، او که حتی توانایی اداره خانواده خود را ندارد، چه برسد به یک مملکت.

- ۱- به نقل از همسر شهید مطهری با کمی دخل و تصرف
- ۲- به نقل از حجت‌الاسلام راشد یزدی با کمی دخل و تصرف
- ۳- به نقل از آیت‌الله خزعلی با کمی دخل و تصرف



جامعه سازی شیعی

در شماره قبل و در تبیین محورهای جامعه سازی شیعی و ایمانی گفتیم امام باقر علیه السلام در گام اول و در ابتدای تحولات دوره دوم امامت، اساس جامعه سازی شیعی و ایمانی و هویت بخشی جمعی به شیعیان را بر پایه ی دو محور اصلی قرار دادند: ولایت اهل بیت علیهم السلام و ظرفیت بالای عاشورا و قیام سیدالشهداء علیه السلام.

در شماره قبل به محور اول پرداختیم و اکنون به تبیین محور دوم و روایات صادره در این خصوص اشاره خواهیم کرد.

ظرفیت بالای عاشورا و قیام سیدالشهداء علیه السلام

در باره ی ظرفیت عظیم و بالای اجتماعی عاشورا و قیام سیدالشهداء علیه السلام در سرعت بخشیدن به جامعه شناسی شیعی و ایمانی، روایات بی شماری از ائمه علیهم السلام صادر شده است که به دو روایت اشاره خواهیم کرد: امام باقر علیه السلام می فرماید: **مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّ إِيْتَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقِرُّ**

لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ؛^۱ شیعیان ما را دستور دهید
که قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنند، چرا
که رفتن به زیارت او، برای هر مؤمنی که اقرار به
امامت امام حسین علیه السلام از جانب خداوند عزوجل دارد،
واجب است.

روایت مفصل دیگری نیز از امام باقر علیه السلام در باب
فضیلت و اهمیت زیارت سیدالشهدا علیه السلام آمده است.

محمد بن مسلم از قول حضرت می‌فرماید: لَوْ يَعْلَمُ
النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا
شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ^۲

اگر مردم می‌دانستند که چه فضیلتی در زیارت مرقد
امام حسین علیه السلام است، هر آینه از شوق، قالب تهی
می‌کردند و نفس‌های آنان به شماره می‌افتاد و از
حسرت، قطع می‌شد.

محمد بن مسلم می‌گوید: مگر در زیارت آن حضرت،
چه اجر و ثوابی است؟!

حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به
زیارت آن حضرت رود، خداوند متعال هزار حج و هزار

عمره ی قبول شده، برایش می‌نویسد، اجر و ثواب هزار شهید از شهدای بدر، اجر هزار روزه‌دار، ثواب هزار صدقه قبول شده، ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند، برایش منظور می‌شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کم‌ترین آن شیطان باشد، محفوظ مانده و خداوند فرشته‌ای را موکل او قرار خواهد داد تا او را در میان دستان خود و از پشت سر و از راست و چپ و از بالای سر و از زیر پاها حفظ کند....

البته روایات بی‌شماری در این باب به ما رسیده که همگی گویای اهمیت زیارت قبر سیدالشهداء (علیه السلام) در هویت‌بخشی جمعی شیعیان و تشکیل جامعه ایمانی می‌باشد که در این جا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم و علاقه‌مندان را به کتاب ارزشمند کامل‌الزیارات ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، متوفای ۳۶۷ ق ارجاع می‌دهیم.

مراحل و عناصر تشکیل‌دهنده جامعه شیعی و ایمانی
بعد از بیان محورهای اساسی در شکل‌گیری جامعه

ایمانی و شیعی، اکنون
به سراغ تبیین مراحل و عناصر
تشکیل‌دهنده یک جامعه شیعی در نگاه
ائمّه علیهم‌السلام می‌پردازیم.

حاکمیت محبت دینی

حاکم بودن روح محبت دینی و عنصر عشق و محبت آحاد یک جامعه نسبت به یکدیگر، از نگاه اهل بیت علیهم‌السلام ریشه و اساس و به عبارت دیگر نخستین مرحله در شکل‌گیری یک جامعه شیعی و ایمانی به شمار می‌رود. بدین معنا که در یک جامعه شیعی و ایمانی، وجود محبت دینی بین افراد، در ایجاد آن اجتماع و پیشبرد آن با اهتمام تک‌تک اعضای آن جامعه، به جهت علقه و محبتی که بین آن‌ها حاکم می‌باشد و عنصر پیوند خوردن آن‌ها با یکدیگر، آن هم به خاطر خدا و امثال امر الهی، از استحکام و دوام بی‌نظیری برخوردار می‌باشد. در این خصوص حضرات معصومین علیهم‌السلام خود همیشه پیش‌قدم بوده و به آن سفارش می‌فرمودند.

امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند: إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ، قَدْ أَضَاءَ نُورٌ وَجُوهَهُمْ وَنُورٌ أَجْسَادِهِمْ وَنُورٌ مَنَابِرِهِمْ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى يُعْرَفُوا بِهِ، فَيُقَالُ: هَؤُلَاءِ الْمُتَحَابُّونَ فِي اللَّهِ؛^۳ به درستی که دوستان در راه خدا (آنان که به خاطر خدا، به هم محبت کرده و به هم عشق می‌ورزند) در روز قیامت، بر منبرهایی از نور قرار دارند و نورِ چهره هایشان و نورِ پیکره‌هایشان و نورِ منبرهایشان، همه چیز را روشن کرده و بر آن‌ها تابیده است، تا آن جا که با این نور، شناخته می‌شوند و گفته می‌شود اینان دوستان در راه خداوند (کسانی که به خاطر خداوند به هم محبت داشته و به هم عشق می‌ورزیدند) هستند. از نکات مهم و زیبا در سیره‌ی ائمه اطهار علیهم السلام عشق و محبت زیادِ ایشان نسبت به شیعیان خود می‌باشد که روایات متعددی را از آن بزرگواران در این خصوص به ما رسیده است. در این جا به چند روایت زیبا از امام صادق علیه السلام درباره عشق و محبت ایشان به شیعیان خود می‌پردازیم:

امام صادق علیه السلام در یک روایت،
 علتِ محبت و اشتیاقِ به شیعیان خود
 را این گونه بیان می‌فرماید: ... خَلَقَ أَرْوَاحَ
 شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقَ مِنْهُ أَرْوَاحَنَا... فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ
 الْقَرَابَةِ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا؛ خداوند ارواح
 شیعیان ما را از همان چیزی آفرید که ارواح ما را آفریده
 است... به خاطر همین خویشاوندی و سنخیت است
 که دل‌های آنان، به سوی ما پر می‌کشد (و مشتاق ما
 ست).

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام به یکی از یاران‌شان
 فرمودند: هیچ‌یک از شما (شیعیان) در شرق یا غرب
 زمین نیست، مگر این که من با او هستم و هیچ‌یک
 از شما برایش گرفتاری یا غمی پیش نمی‌آید، مگر این
 که قلبِ من به خاطر او محزون می‌شود.^۵

هم چنین امام صادق علیه السلام سوگند یاد می‌کنند که
 چنان برای شیعیان، آبروداری و وساطت کنند که همه
 متعجب شوند: وَ اللَّهُ لَأَشْفَعَنَّ فِي شِيعَتِي حَتَّى يَقُولَ
 الْعَدُوُّ: فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ؛^۶ به خدا
 سوگند چنان از شیعیانم شفاعت کنم که دشمن

(با حسرت) گوید: اکنون نه
شفاعت‌کنندگانی داریم و نه دوست

صمیمی.

ابراز محبت

از دیگر نکات زیبا در بحث حاکمیتِ محبتِ دینی بین شیعیان و اعضای جامعه ایمانی، اصرار ائمه علیهم‌السلام بر ابراز این محبت است. به این معنا که حضرات معصومین علیهم‌السلام تأکید داشتند که مؤمنین و شیعیان، این محبت را نه تنها به رفتار، بلکه به زبان هم جاری کنند. کما این که خود ائمه علیهم‌السلام این‌گونه بوده‌اند و محبت خود را به شیعیان، به زبان ابراز می‌کردند.

كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ جُلُوسًا فَقَامَ فَدَخَلَ الْبَيْتَ وَ خَرَجَ فَأَخَذَ بَعْضَادَتِي الْبَابَ فَسَلَّمَ فَرَدَدْنَا عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِبُّكُمْ أَحَبُّكُمْ أُحِبُّكُمْ رِيحَكُمْ وَأَرْوَاحَكُمْ؛^۷ راوی می‌گوید: نزد امام باقر علیه‌السلام نشسته بودیم. سپس ایشان بلند شده و وارد اتاق شدند و بعد از کمی خارج شدند. سپس در حالی که دستگیره‌ی درب را گرفته بودند، به ما سلام کردند، ما هم جواب سلام ایشان را دادیم. سپس فرمودند: بدانید که به خدا من هر آینه

شما را دوست دارم و دوست
دارم بوی شما را و ارواح شما را.
ان شاء الله در شماره بعد به راه‌های کسب
محبت دینی از نگاه ائمه علیهم‌السلام خواهیم پرداخت.
محمد مهدی حامدی

-
- ۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱، ۳ و ۴ - کامل الزیارات صفحه ۲۳۶
 - ۲- کامل الزیارات ص ۱۴۲ - مستدرک الوسائل ج ۱۰، ص ۳۰
 - ۳- الکافی: ۲ / ۱۲۵ / ۴ - المحاسن: ۱ / ۴۱۳ / ۹۴۳ و لیس فیہ «نور
وجوههم» و کلاهما عن أبی بصیر - بحار الأنوار: ۷ / ۱۹۵ / ۶۳
 - ۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۹
 - ۵- قرب الإسناد (حمیری)، ص ۳۴۸
 - ۶- تفسیر عیاشی / بحار الانوار ج ۸، ص ۵۸
 - ۷- الزهد / ص ۸۵

در شماره‌های قبل به برخی از شبهات گروه‌های سلطنت طلب و باستان‌گرا علیه دین مبین اسلام پرداختیم. حال شاید سؤال شود عداوت و دشمنی این گروه‌ها و فرقه‌ها علیه اسلام از کجا نشأت می‌گیرد؟

در پاسخ باید گفت: آن چه واضح و مبرهن است این است که حکومت‌های استعمارگر و چپاول‌گر غربی مانند انگلیس و آمریکا برای استثمار و غارت منابع ملی کشورهای اسلامی تلاش کردند با ذائقه سنجی مردم و نظام‌های حاکم در کشورهای اسلامی، مداخله‌ی خود را تا سرحد امکان وسعت بخشند. آن‌ها در زمان قاجار، با وجود افرادی مثل میرزا ابوالحسن خان ایلچی و حتی برخی از علمای دینی که فتوای اعدام علمای بزرگی چون شیخ فضل‌الله نوری را دادند، توانستند تا حدی در دربار، نفوذ پیدا کنند. اما اشتباهی سیری ناپذیر غرب، پس از فاجعه مرگ نه میلیون ایرانی در اثنای جنگ جهانی اول به عاملیت قشون انگلیس، مُسبب تشکیل استبداد رضاخانی و حکومت پهلوی شد تا با شعارهای ناسیونالیستی و شووینیسمی و تم‌های میهن پرستی و کنارزدن دین اسلام به صورت نرم، شیوه استعماری خود را به صورت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ایران و مردم مسلمانانش تحمیل نماید. اما بیداری علمای بزرگ

باستانگرایی

اسلام هم چون آیت الله مدرس به عنوان نماینده مجلس ملی ایران و بعدها علمای بزرگ دیگر مانند آیت الله سید نورالدین هاشمی در شیراز و علمای دیگر شهرهای ایران و قیام خونین مردم قم به رهبری امام خمینی علیه السلام در پانزده خرداد ۱۳۴۲، ورق را برگرداند و هوشیاری مردم در تبعیت از فرمان علمای بزرگ مخصوصاً امام خمینی علیه السلام، رژیم منحوس و دست‌نشانده پهلوی را برای همیشه به زباله دان تاریخ فرستاد و جمهوری اسلامی ایران را با اکثریت آرای مردم، به منصف ظهور رسانید. چیزی که موجب پیروزی این انقلاب عظیم در مقابل خواسته مستکبران عالم شد، وحدت کلمه‌ی علما و مردم، زیر چتر اسلام بود. آن‌ها که سال‌ها تلاش کرده بودند تا با رواج فساد اخلاقی و تغییر فرهنگ ایرانی و اسلامی به هر شکل ممکن، درخت تنومند اسلام را بعد از قرن‌ها در ایران بخشکانند، توسط میوه‌های این درخت، ثمرشان نابود شد و هر چه کِشت کرده بودند، بر باد رفت.

لذا چه دشمن خارجی و چه نفوذی داخلی که مستقیم یا غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته، عامل دشمن بیرونی هستند، برای بازگشت به ایرانی که همه کاره‌ی آن، اجنبی بود و منابع کشور را به ثمن بخش به غارت می‌برد، دست به دشمنی با اسلام زده و از راه بیان شبهات تلاش می‌کنند تا جایی که می‌توانند ذهن مردم را نسبت به اسلام و مقدسات آن مسموم نمایند. حتی تلاش می‌کنند اسلام و مسلمانی را مخالف ایرانی بودن مطرح کنند و دروغی به این بزرگی را به ساحت مقدس اسلام بچسبانند.

حال بعد از این مقدمه، به یکی دیگر از شبهات می‌پردازیم. یکی از شبهات مطرح شده دیگر علیه اسلام، حضور ائمه اطهار علیهم السلام در فتوحات خلفای عرب

صدر اسلام است. در این جا به اسناد حضور امامان شیعه در این جنگ‌ها، نگاهی انداخته و سپس پاسخ آن رامی دهیم.

جرجان و طبرستان و نواحیها، قالوا: ولی عثمان بن عفان رحمه الله سعید بن العاصی بن سعید ابن العاصی بن أمیة الکوفة فی سنة تسع وعشرين. فکتب مرزبان طوس إليه وإلی عبد الله بن عامر بن کریر بن ربیعة بن حبیب بن عبد شمس، وهو علی البصره، یدعوهما إلی خراسان، علی أن یملکه علیهما غلب وظفر. فخرج ابن عامر یریدها، وخرج سعید. فسبقه ابن عامر، فغزا سعید طبرستان، ومعه فی غزاته فیما یقال الحسن والحسین أبناء علی بن أبی طالب علیه السلام.^۱ گرگان-جرجان- و طبرستان: گفته اند که عثمان بن عفان(خلیفه سوم) سعید بن العاصی بن امیه را در سال ۲۹(هجری) والی کوفه قرار داد. پس مرزبان توس بدو و عبد الله بن عامر بن کریر بن ربیعة بن حبیب بن عبد شمس، والی بصره، نامه ای نگاشت و آنان را به سوی خراسان دعوت نمود. پس سعید و عامر هر دو آهنگ خراسان نمودند اما عامر براو پیشی گرفت، پس سعید آهنگ طبرستان نمود در حالی که گفته می شود حسن و حسین فرزندان علی بن ابیطالب در شمار همراهان وی بوده اند.

حدثنی عمر بن شبة قال حدثنی علی بن محمد عن علی بن مجاهد عن حنش بن مالک قال غزا سعید بن العاص من الکوفة سنة ثلاثین یرید خراسان ومعه حذیفة ابن الیمان وناس من أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم ومعه الحسن والحسین وعبد الله بن عباس وعبد الله بن عمر وعبد الله بن عمرو بن العاص وعبد الله بن الزبیر وخرج عبد الله بن عامر من البصرة یرید خراسان فسبق سعیدا ونزل...^۲ حنش بن مالک گوید: سعید بن عاص به

سال سی ام از کوفه به منظور غزا(جنگ)، آهنگ خراسان کرد. حذیفه بن یمان و کسانی از یاران پیامبر خدا ﷺ با وی بودند، حسن و حسین، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمرو، عمرو بن عاص و عبدالله بن زبیر نیز با وی بودند ... وحدثنی عمر بن شبة قال حدثنا علی بن محمد قال أخبرني علی بن مجاهد عن حنش بن مالک التغلبی قال غزا سعید سنة ثلاثین فأتی جرجان وطبرستان معه عبد الله بن العباس وعبد الله ابن عمر وابن الزبير وعبد الله بن عمرو بن العاص فحدثنی عالج کان یخدمهم قال كنت آتیهم بالسفرة فإذا أكلوا أمرونی فنفضتها وعلقتها فإذا أمسوا أعطونی باقیه قال وهلك مع سعید بن العاص محمد بن الحكم بن أبی عقیل الثقفی جد یوسف ابن عمر فقال یوسف لقحذم یا قحذم أتدری أين مات محمد بن الحكم قال نعم استشهد مع سعید بن العاص بطبرستان قال لا مات بها وهو مع سعید ثم قفل سعید إلى الكوفة...^۳

در این جا ما شاهد هستیم دو کتاب فتوح البلدان بلاذری و تاریخ طبری به دو شکل متفاوت حضور امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را در جنگ های خلفای عرب، بیان نمودند. اما پاسخ به این شبهات:

- اولین سوالی که در این جا مطرح است چرایی عدم حضور امام علی (علیه السلام) به عنوان نام آورترین و شجاع ترین رزمنده صدر اسلام که در کارنامه خود شکست عمر بن عبدود، مرحب یهودی از پهلوانان کفر و اهل کتاب تا کندن در قلعه خیبر و فتح آن را در طی غزوه ها و سریه های متعدد داشتند، است؟ چرا ایشان که بهترین رزمنده ی مسلمانان است، در فتوحات شرکت نداشتند؟ مگر کسی که می خواهد سپاهی را برای شکست یک امپراتوری

بزرگ مانند ایران بفرستد، نباید از بهترین و شجاع‌ترین افراد مانند امام علی علیه السلام استفاده نماید؟ عدم حضور امام علی علیه السلام با آن کارنامه درخشان چه بوده؟ آیا ایشان، خلفا را قبول نداشته که با آن‌ها همکاری کند یا فتوحات آن‌ها را بر خلاف اسلام می‌دیده است؟ حال که خود شرکت نکرده، چگونه فرزندان خود را به جنگی که خود قبول نداشته، می‌فرستد؟ این رویه حتی در زمان خلافت خود امام هم وجود داشته است که تا حد امکان، در جنگ‌هایی که در دوران خلافتشان داشتند، از امام حسن و امام حسین علیه السلام استفاده نمی‌کردند، لذا در اثنای جنگ جمل از محمد حنفیه سؤال شد که چرا علی علیه السلام از دیگر اولادش برای جنگ استفاده می‌کند اما از حضور حسنین علیه السلام اجتناب می‌نماید؟ او جواب داد: حسن و حسین علیه السلام چشمان علی علیه السلام و ما دستان او هستیم، علی علیه السلام با دستانش، از چشمانش محافظت می‌کند...

- دومین نکته این که این اسناد و روایات فقط در متون اهل سنت نقل شده و هیچ کدام از دانشمندان شیعه، روایتی از حضور اهل بیت علیهم السلام در فتوحات خلفا بیان نکردند بلکه خلاف آن را یعنی عدم شرکت اهل بیت عصمت علیهم السلام در آن جنگ‌ها را مطرح نمودند. لذا بیان این روایات از دیدگاه شیعیان، هیچ اعتبار روایی و حتی تاریخی ندارد که بخواهند به آن استناد کنند.

- یکی از این منابع که در بالا بدان اشاره شد، فتوح البلدان بلاذری است. در روایت فتوح البلدان هیچ صراحتی مبنی بر حضور اهل بیت علیهم السلام در جنگ اعراب و ایرانیان وجود ندارد بلکه بیان می‌کند: (... فیما یقال الحسن و الحسین ابناء علی بن ابی‌طالب...). فیما یقال یعنی گفته شده که امام حسن و امام حسین علیه السلام در جنگ‌ها شرکت داشتند و این نشان می‌دهد نگارنده از

گفته خود مطمئن نیست و نمی‌داند واقعاً چنین واقعه‌ای رخ داده یا خیر؟ - کتاب دیگری که حضور امامان شیعه علیهم‌السلام را در فتوحات بیان می‌کند، تاریخ طبری است که به آن اشاره شد. در سند روایت مطرح شده، همان گونه که در بالا نشان داده شد، شخصی به نام علی بن مجاهد وجود دارد که طبق رجال اهل سنت مجهول است و روایت از لحاظ سند، دارای ایراد جدی است و نمی‌توان آن را پذیرفت.

لذا وجود اهل بیت علیهم‌السلام در جنگ خلفای عرب با ایرانیان، منتفی است و نمی‌تواند دستاویزی برای معاندین به اسلام و تشیع قرار گیرد.

ادامه دارد.
محمدعلی غیبی

-
- ۱- فتوح البلدان، البلاذری، ج ۲، ص ۴۱۱
 - ۲- تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۲۳
 - ۳- همان، ص ۳۲۵

در نجف، طلبه جوانی زندگی می‌کرد. او از نظر معیشت در سختی غیر قابل تحملی بود. وی در روزی از روزها به حرم امیرالمومنین علی علیه السلام رفته و زبان، به شکایت باز کرده و با مخاطب قرار دادن حضرت گفت: این لوسترها و قندیل‌هایی که مانندشان نیست را برای چه در حرم شما گذاشته‌اند، در حالی که من از لحاظ معیشت، در سختی زیادی هستم؟ سختی زیادی که نمی‌توان تحمل کرد؟.... او حرف‌هایش را زد و گله مند از حرم حضرت خارج شد.

شب خوابید و در خواب دید که امام علیه السلام به خواب او آمده و فرمودند: اگر قصد داری در نجف بمانی، این جا همین است که می‌بینی، نان و ماست و فیجیل و فرش طلبگی.... اما اگر زندگی مادی بسیار خوبی می‌خواهی به حیدرآباد هند برو، در حیدرآباد به فلان شخص مراجعه کن و چون در زدی و صاحب خانه، در را باز کرد به او بگو: به آسمان رود و کار آفتاب کند.

لطف ویژه

طلبه با هراس، از خواب بیدار شد. این چه خوابی بود! با نگرانی به سوی حرم، روانه شد. وقتی رسید رو به ضریح مقدس کرده و گفت: یا امیرالمومنین، من از نابسامانی زندگی در این جا، گِله و شکایت دارم و شما من را به هند، حواله می‌دهید.

شب که خوابید بار دیگر حضرت را در خواب دید که فرمودند: سخن من، همان چیزی است که گفتم. اگر می‌خواهی در مجاورتِ ما باشی، زندگی همین است اما اگر تمایل داری از نظر مادی، تمکن پیدا کنی، به حیدرآباد هند برو و آن چه گفتم، انجام بده.

طلبه، تصمیم گرفت که به حیدرآباد هند برود. او کتاب و آن چه داشت را فروخت و از برخی افراد نیز کمک گرفت تا بتواند به این سفر برود. هنگامی که به شهر حیدرآباد رسید، سراغ شخصی که امام (علیه السلام) در خواب به او گفته بودند را گرفت. مردم از این که طلبه ای مانند او، سراغ آن شخص ثروتمند را می‌گیرد و قصد ملاقاتش را دارد، تعجب کرده بودند.

او به درِ خانه‌ی آن فرد رسید. در زد، در را که باز کردند، دید شخصی از پله‌های عمارت، پایین می‌آید. پس وقتی با او رو به رو شد، بعد از سلام و احوالپرسی گفت: به آسمان رود و کار آفتاب کند.

مرد هندی تا این سخن را شنید، خدمتکارهای خود را صدا زد و گفت: این طلبه را به داخل، راهنمایی کنید و بعد از پذیرایی و رفع خستگی، او را به حمام برده و لباس‌های گران قیمت، به او بپوشانید.

آن چه مرد هندی گفت، انجام شد و تا فردا عصر با طلبه به خوبی و احترام، رفتار شد و از او پذیرایی مفصلی به عمل آمد.

طلبه در سالن پذیرایی نشسته بود که دید، افراد صاحب نام شهر از تاجران، اعیان و عالمان وارد می‌شوند و هر یک در جایی که برای آن‌ها مشخص شده، می‌نشینند. فردی نیز در کنار طلبه نشست. طلبه از او پرسید که موضوع چیست و چرا در این سالن جمع شده اید؟ آن شخص پاسخ داد: امروز روز عقد دختر صاحب خانه است.

زمانی که مجلس آماده و آراسته شد، صاحب خانه وارد سالن شد. همه به احترام او، از جای خود بلند شدند. او در جای خود نشست و به افرادی که حضور داشتند، نگاهی کرد و گفت: آقایان من نیمی از دارایی خود را که بیش از فلان مبلغ است: از پول نقد، ملک، منزل، باغات، اغنام و اثاثیه، به این طلبه که به تازگی از نجف آمده است، مصالحه کردم. هم چنین همه می‌دانید که من تنها دو دختر دارم، از میان آن دو، دختری که زیباتر بود را به عقد او در می‌آورم. پس ای علمای دین، هم اکنون صیغه‌ی عقد را جاری کنید. صیغه‌ی عقد، جاری شد. طلبه، متحیر از این اتفاقات، از صاحب خانه پرسید: جریان چیست؟

صاحب خانه گفت: من چند سال قبل خواستم در مدح امیرالمومنین علی علیه السلام شعری بگویم، یک مصرع را گفتم و نتوانستم مصرع دوم را بگویم. به شاعران فارسی زبان هند، اعلام کردم اما مصرعی که گفتند، به دلم نشست. به شاعران ایرانی، مراجعه کردم، مصرع آنان نیز مطلوب نیفتاد. پس با خود گفتم: حتماً شعری که گفته ام مطلوب نظر امیرمومنان علی علیه السلام قرار نگرفته است، به همین دلیل نذر کردم، اگر کسی پیدا شود و مصرع دوم را به شکل مطلوب بگوید، نیمی از دارایی خود را به او بخشیده و دختر زیباتر را به عقد

او در آورم. تا این که تو آمدی و آن مصراع را گفתי که از همه نظر خوب بود و مصراع اول را کامل می کرد و هماهنگ بود. طلبه پرسید: مصراع اول چه بود؟ صاحب خانه گفت: به ذره گر نظرِ لطف، بوتراب کند
 طلبه گفت: مصراع دوم از من نیست و لطف امیرالمومنین علی علیه السلام است....
 صاحب خانه که این سخن را شنید، سجده‌ی شکر کرد و گفت: به ذره گر نظرِ لطف، بوترب کند به آسمان رود و کار آفتاب کند.
 زمانی که نظر امیرمومنان علی علیه السلام چنین می کند و نیازمندی را این گونه به ثروت و جاه و جلال می‌رساند، نظر حق تعالی به بنده‌ی خود، چگونه خواهد بود و در حق بنده، چه خواهد کرد!

۱- کتاب داستان‌ها و حکایت‌های عبرت آموز، برگرفته از آثار حسین انصاریان با کمی دخل و تصرف

الی الحبيب

وقتی در سال ۶۱ هجری، امام حسین علیه السلام برای حبيب نامه نوشت، این چنین آغاز کردند: ... مِنَ الْغَرِيبِ إِلَى الْحَبِيبِ... و این گونه حبيب به كربلا دعوت شد و به یاری امام خود شتافت...

و حال در سال ۱۴۴۸ قمری برابر با ۱۴۰۵ شمسی، نامه‌ی از سوی امام زمان علیه السلام به تو هم رسیده!! از مهدی غریب به تمام کسانی که تنهایی‌اش را درک کرده اند، به تمام کسانی که ادعای شیعه بودن و منتظر بودن را دارند، تو هم می‌توانی حبيبِ امام زمان خود شوی... همراه شو با اِلی الْحَبِيب...

دلیل

یاران حسین علیه السلام را ببین! با هر چه بهانه بود، جنگیدند، با بهانه‌هایی مانند: من یک نفر به چه کار می‌آیم؟ زن و فرزندم را چه کنم؟ من پیر و ناتوانم، من هنوز خیلی جوانم، من کودکم، من یک زنم یا حتی من گنه‌کارم... آری! آن‌ها ثابت کردند برای یاری نکردن امام زمان خود، هیچ

عذری پذیرفته نیست. کنار امام زمان (عج)، برای همه، جا هست. آن‌ها برای پیروزی و کسب غنائم، به میدان نرفتند چرا که می‌دانستند به ظاهر، شکست می‌خورند اما آمده بودند تا روی تاریخ را کم کنند.

طرح نو

باز شورِ شعر باز این چه شورش است، به تار و پودِ جانمان وزید. چند روزی روال عادی زندگی، از سرمان افتاد و حتماً باز هم شامِ غریبان که برسد، یکی دو خاطره‌ی محو، از مُحرم امسال، در ذهنمان می‌ماند، تازه، اگر بماند!

بس نیست این همه تکرار؟ هی از سرِ خط خواندنِ رسم و رسوم همیشگی و نقطه سرِ خط گذاشتن و تمام؟ نباید این شور، هر سال تازه شود؟ نباید سرخیِ این خون، درخشان‌تر از سال‌های دور، به چشم بیاید؟

باید طرحی نو، درانداخت. باید شوری تازه به جان بیرق‌ها و علم‌ها و پرچم‌ها ریخت. باید کار کرد. باید فکرهای تازه، جوانه بزند تا این رسم هزار و اندی ساله، پویاتر از همیشه به حرکت دربیاید و سر راهش بر ظلم و بدعت و ناراستی، قلم بطلان

بکشد. باید قدم هایمان را استوارتر از همیشه برای معرفی امام حاضر برداریم و ایشان را و دلیل غیبتشان و برکات ظهورشان را برای مردم تبیین کنیم....

و جدان

قربان! تا الان سی هزار نفر شدیم، حرکت کنیم؟ نه! قبل از حرکت دستور بده، تمام آن ها و جدان خود را بکشند، چون قرار است به جنگ حق بروند.

آری! عاشورا یعنی کشتن بی رحمانه ی و جدان! و جدانی که هر لحظه می پرسید، آیا با وجود این که می دانید او کیست، باز هم به جنگ با او می روید؟ و جدان نیمه جان، همیشه نیمه جان نمی ماند یا می میرد یا زنده می ماند.

امروز شرط یاری امام زمان ع و جدان بیدار، نیت پاک و رفتار صالح، بصیرت و دشمن شناسی در دوران غیبت است. آیا این گونه هستی؟!

آیا می دانی گناه، غیبت را طولانی می کند؟ چقدر تلاش می کنی از گناه فاصله بگیری!!!

نامه ویژه

پشت نامه می نویسم: لطفاً زمان رجعت خوانده شود.
عباس جان! در زمان ما هیچ کس به فکر مهدی فاطمه علیها السلام نبود.
برای فرقی شکسته‌ی شما، گلوی بریده‌ی علی اصغر علیه السلام، ارباباً
اربابی علی اکبر علیه السلام و ... گریه می‌کردند ولی امام زمان خودشان
را تنها گذاشته بودند...

نجات

هیچ وقت، دیر نیست. آغوش امام زمان علیه السلام همیشه برای تو باز
است... نشانی می‌خواهی؟ حُر!
مگر گناهی بالاتر از بستن راه، بر روی امام حسین علیه السلام و لرزاندن
دل اهل بیت ایشان هست؟
ولی امام علیه السلام، حُر را پذیرفتند. حُر، لحظه‌ی آخر، خودش را نجات
داد. فقط کافی است، درست تصمیم بگیری.

چشم انتظار واقعی

مادر شهید بود، شهید مفقودالاثَر. از بنیاد شهید برای او
دعوت‌نامه‌ی سفر به مکه فرستادند، قبول نکرد. دعوت‌نامه‌ی

سفر به کربلا فرستادند، قبول نکرد. حتی دعوت‌نامه‌ی سفر به مشهد را هم قبول نکرد.

به او گفتند: چیزی شده مادر؟ نکند از دست ما ناراحتی؟! گفت: شماها نمی‌دانید چشم انتظاری یعنی چی. من با نگرانی تا سرِ کوچه می‌روم که نکند یک وقت پسرم برگردد و من نباشم! با خودمان صادق باشیم! آیا چشم انتظاری ما برای امام زمانمان، این شکلی هست؟!

سکوت

گفتم: اگر در کربلا بودم تا پای جان برای حسین علیه السلام تلاش می‌کردم! گفت: یک حسین علیه السلام زنده داریم، نامش مهدی علیه السلام است تا حالا برای ایشان چه کرده‌ای؟! سکوت کرده و سرم را از روی شرم، پایین انداختم....



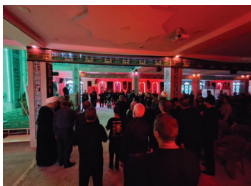
برپایى موكب از غدیر تا ظهور در حرم مطهر حضرت احمد بن موسى شاهچراغ (ع) به همت بنياد فرهنگى حضرت مهدى موعود (عج) فارس به مناسبت دهه ولايت





بازدید استاد حدائق از بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام یاسوج، سخنرانی در مسجد جامع صاحب الزمان علیه السلام، جلسه با مدیر کل صدا و سیما استان و شرکت در برنامه تلویزیونی، سخنرانی در اجتماع عظیم شهر یاسوج - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس





برگزاری مراسم عزاداری دهه اول محرم با سخنرانی استاد حقائق همراه با مداحی
مداحان اهل بیت علیهم السلام - مهدیه بزرگ شیراز





برگزاری اردوی یک روزه ای به مناسبت دهه امامت و ولایت - بنیاد فرهنگی حضرت
مهدی موعود علیه السلام شعبه شهرستان فسا





برگزاری مراسم جشن عید غدیر با سخنرانی حضرت آیت الله حدائق همراه با مدیحه سرایی در میدان مصلى شهرستان فسا با حضور آحاد مردم - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج شعبه شهرستان فسا





برگزاری همایش نهضت ترویج نهج البلاغه با موضوع امام مهدی عج با حضور جمعی از روحانیون، فرهنگیان، دانشجویان و فعالان فرهنگی با سخنرانی آیت الله دکتر احمد بهشتی استاد حوزه و دانشگاه و نماینده مردم استان فارس در خیرگان رهبری و مفسر ۲۰ جلد کتاب نهج البلاغه - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج شعبه شهرستان

فسا





برگزاری مراسم عزاداری دهه اول محرم با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا
کفیل و همچنین با مداحی مداحان اهل بیت علیهم السلام
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه شهرستان فسا





برپایی غرفه فرهنگی در عید غدیر با موضوع یک قرار با امام دوازدهم با حضور
قشرهای مختلف مردم اعم از مسئولین شهر، جوانان و نوجوانان، زن، مرد ... و قرارهای
جالبی که برای سال ۱۴۰۵ با امامشان گذاشتند - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی
موعود عج شعبه زرقان





برگزاری برنامه سه شنبه مهدوی به مناسبت عید غدیر با حضور جمع کثیری از اقاشار
مختلف مردم درمهدیه صاحب الزمان علیه السلام با سخنرانی امام جمعه محترم جناب حجت
الاسلام والمسلمین دکتر سید مختار موسوی خرم و مدیحه سرایی
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه شهرستان لارستان



ثبت نام
نوبت عصر
آغاز شد

پیش دبستانی قرآنی مهدوی

وارثین

اگر به دنبال محیطی امن، شاد و هدفمند برای رشد فرزندان هستید، پیش دبستانی وارثین پذیرای نوآموزان عزیز می باشد.

برنامه‌های آموزشی ما:



آموزش قرآن
و مفاهیم دینی



آشنایی با مهدویت



پرورش خلاقیت کودکان



فعالیت‌های دست‌ورزی
و مهارتی



تقویت هوش و تفکر



رشد اخلاقی و
مهارت‌های اجتماعی



کارگاه تربیتی والدین

در وارثین-

کودکان در فضایی سرشار
از محبت، بازی و یادگیری
برای آینده‌ای روشن
آماده می‌شوند.

وارثین

پیش دبستانی
قرآنی مهدوی

ظرفیت محدود است.



برای ثبت‌نام نوبت عصر با ما تماس بگیرید.

0917 683 0026

مراجعه حضوری:

کوی زهرا، کوچه ۸/۱

ساعت ۹ الی ۱۳

